

نسل بشر در ۷ میلیون سال گذشته پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. ماراه درازی پشت سر گذاشتیم تا از نئاندرتال‌های غارنشین ماقبل تاریخ به جت‌نشین‌های آینده‌گرای امروز تبدیل شویم. حالا که گونه ما تا رسیدن به جمعیت ۹ میلیاردی روی این سیاره فاصله چندانی ندارد، آیا وضعیتمان بهتر از هزاره‌های پیشین شده است؟ البته که دسترسی به ملزومات اولیه زندگی هیچ‌گاه برای بشر به این سادگی نبوده است. سرپناه، الکتروسیته، خوراک، بهداشت و بسیاری چیزهای دیگر کیفیت زندگی ما را به طور درخور ملاحظه‌ای بالا برده‌اند، اما یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌هایی که جهان ما را از بلاهت جدا کرده است و به ما کمک می‌کند جوامع بهتری برای خود بسازیم، فضیلت‌های بیشتری کسب کنیم و احساس آزادی داشته باشیم، «تحصیلات» است. تحصیلات در بسیاری کشورها به عنوان ابزاری برای ارتقای جوامع و تبدیل جهان به جایی بهتر به رسمیت شناخته شده است. با این حال، بسیاری از افراد در جهان هنوز از داشتن امکان تحصیل محروم‌اند. در گوشه و کنار جهان ۲۶۴/۳ میلیون کودک، نوجوان و جوان به دلایل مختلف از رفتن به مدرسه بازمی‌مانند. متخصصان معتقدند این امر تأثیرات درازمدتی بر زندگی این کودکان خواهد داشت و به لحاظ کیفی محدودیت‌هایی در زندگی‌شان ایجاد خواهد کرد، اما داشتن و نداشتن تحصیلات چگونه بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد؟ در ادامه به چند نمونه از زمینه‌های تأثیرگذاری مقوله تحصیلات خواهیم پرداخت.

آگاهی و خودآگاهی

باورهای کورکورانه و خرافات یکی از ریشه‌های فساد در جوامع هستند و افراد تحت تأثیر باورهای نادرست می‌توانند بیشترین آسیب را به جامعه بزنند. ما به واسطه آموزش و تحصیلات، به موجوداتی پرسشگر با ذهنی تحلیلی‌تر تبدیل می‌شویم و توانایی پس‌زدن خرافات را پیدا می‌کنیم. ذهن یک فرد تحصیل کرده در پس تمامی کنش‌ها به دنبال منطق و ادله علمی می‌گردد. به مدد تحصیلات، ناتوانی و ضعف به توانایی تبدیل می‌شود. یک فرد تحصیل کرده با توانمندی بیشتری تصمیم‌گیری می‌کند، پویاتر است و دسترسی بیشتری به پایگاه‌های اجتماعی دارد. این پایگاه‌های اجتماعی دسترسی افراد به اطلاعات را افزایش می‌دهد و امکان مشاهده و تجربه الگوهای رفتاری پذیرفته‌شده و صحیح رایج در میان افراد هم‌رده‌شان را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

در مقابل، محروم‌ماندن از آموزش و تحصیلات می‌تواند به ناتوانی افراد در ابراز عقیده خود و نابرابری جنسیتی منجر شود. افراد کم‌سواد یا بی‌سواد مهارت و اعتماد به نفس لازم

برای ابراز عقیده و دفاع از حقوق خود را ندارند. همچنین بررسی‌ها نشان داده‌اند فراهم ساختن امکان تحصیل برای زنان در کشورهایی که تبعیض جنسیتی در بره آن‌ها معمول است، آن‌ها را قادر می‌سازد در مقابل خشونت‌های خانگی مقاومت نشان دهند و زندگی خود را در کنترل خودشان بگیرند.

سلامت

پایش سلامت جامعه یکی از دلایل اصلی اهمیت داشتن تحصیلات است. در همه کشورها نظام آموزشی همچون یک کانال ارتباطی برای رساندن اطلاعات مهم از جانب متخصصان و دولت‌ها به جامعه عمل می‌کند. دوره ابتدایی مدرسه از آنجا که بستر لازم برای آموزش مراقبت‌های سلامت و بهداشت فردی را فراهم می‌آورد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به علاوه، آمارها نشان می‌دهند افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، به طور معمول بیشتر عمر می‌کنند و زندگی بهتری خواهند داشت. برای مثال، بنا بر نتایج تحقیقی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، یک مرد سی ساله با تحصیلات آکادمیک نسبت به مرد سی ساله‌ای که دوره متوسطه دوم را تکمیل نکرده است، ۸ سال بیشتر امکان زندگی دارد. این در حالی است که یک زن با تحصیلات آکادمیک نسبت به زنی که دوره متوسطه دوم را نگذرانده است، ۴ سال بیشتر امکان زندگی دارد. همچنین، افرادی که تحصیلات بیشتری (و در نتیجه، درآمد بالاتری) دارند، کمتر از استرس‌های مضر ناشی از شرایط سخت و ادامه‌دار اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند.

در جوامعی که بخش بزرگی از جمعیت محروم از تحصیل بوده‌اند، وضعیت سلامت و بهداشت به مشکلی بزرگ تبدیل شده است. بر اساس آمار کمیساری عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، تحصیل دختران (فقط) تا دوره متوسطه می‌تواند آمار مرگ‌ومیر بر اثر التهاب ریه، اسهال و مالاریا را در سطح جهانی تا ۴۹ درصد کاهش دهد. کمی بالاتر گفته شد داشتن تحصیلات بیشتر متضمن داشتن پایگاه‌های اجتماعی بیشتر و دریافت حمایت‌های اجتماعی از جانب آن‌هاست. به نظر می‌رسد ارتباط بین این امر و تحصیلات به سبب مهارت‌های اجتماعی و شناختی کسب‌شده در این محیط‌ها، و همچنین مشارکت و حضور در سازمان‌ها و گروه‌های مدنی به واسطه داشتن تحصیلات است. از این جهت برخورد نداشتن از این حمایت‌های اجتماعی در بالا رفتن نرخ مرگ‌ومیر و ناتوانی‌های روانی تأثیرگذار است.

شغل و درآمد

در دنیای امروز، با اقتصاد مبتنی بر دانش، احتمال پذیرفته شدن در شغلی با شرایط مناسب (از جمله بیمه سلامت، مرخصی با حقوق و بازنشستگی) برای یک شخص تحصیل کرده بسیار بیشتر است. بزرگ‌سالانی که تحصیلات بیشتری دارند، معمولاً دشواری‌های

اقتصادی کمتری را تجربه می‌کنند، در مشاغل کم منزلت و مرتبه اجتماعی بالاتری دارند قرار می‌گیرند و در حوزه سلامت از دسترسی‌های بیشتری برخوردارند. چندین پژوهش نشان داده است که یکی از اصلی‌ترین دلایل سلامتی بیشتر بودن افراد تحصیل کرده نسبت به قشر تحصیل نکرده، میزان درآمد آن‌هاست. آمارها در آمریکا نشان می‌دهد الگوی تأثیرگذاری تحصیلات آکادمیک بر میزان درآمد افراد در بین تمامی گروه‌های اجتماعی (زن و مرد، سیاه‌پوست و سفیدپوست، لاتین تبار و غیرلاتین تبار) به یک شکل است.

عواملی همچون نداشتن امنیت شغلی، دستمزد پایین و نداشتن امتیازهای اقتصادی که همه با پایین بودن میزان تحصیلات ارتباط مستقیم دارند، به آسیب‌پذیر شدن افراد در شرایط سخت منجر می‌شوند که خود به تغذیه نامناسب، شرایط مسکن ناپایدار و برطرف نشدن نیازهای پزشکی دامن خواهد زد. دشواری‌های اقتصادی می‌توانند سلامت فردی و روابط بین افراد را تحت تأثیر قرار دهند. نتایج برخی آمارها در آمریکا نشان می‌دهد که با گذر زمان نرخ بیمه‌شدگان در بین افرادی که دارای تحصیلات متوسطه نبوده‌اند، پایین آمده است. درآمد پایین از یک سو پوشش نامناسب بیمه‌ای از سوی دیگر، همچون سدی بر سر راه برطرف ساختن نیازهای پزشکی افراد عمل می‌کنند.

شرایط زندگی

خانواده‌هایی که درآمد بیشتری دارند، به راحتی قادر به خریداری مواد خوراکی سالم هستند، زمان بیشتری برای ورزش کردن دارند و امکان پرداخت هزینه بیشتر برای خدمات حوزه سلامت و حمل‌ونقل را دارند. در مقابل، افرادی که تحصیلات کمتری دارند، بیشتر مستعد حضور در مشاغل پرخطر و دارای مزایای اندک هستند.

درآمد کمتر و دسترسی کمتر به منابع برای افرادی که میزان تحصیلاتشان پایین‌تر است، به این معناست که احتمال سکونت این افراد در محله‌ها و مناطق کم‌درآمد و حاشیه‌ای بیشتر است و به تبع آن، فاصله آن‌ها از مراکز خدمات سلامت بیشتر خواهد بود. سلامت ساکنان این مناطق به دلایل متعددی در خطر قرار می‌گیرد. این افراد معمولاً دسترسی کمتری به مراکز فروش مواد خوراکی سالم دارند و بازار فروش خوراکی‌های ناسالم مثل فست‌فود در این مناطق پررونق‌تر است. فضاهای سبز و مکان‌های مناسب برای فعالیت‌های ورزشی بیرون‌ازخانه برای ساکنان این مناطق فراهم نیست. تعداد پزشکان حاذق و امکانات بهداشتی مناسب در چنین مناطقی بسیار پایین است. مدارس این مناطق، از آنجا که به سبب پایین بودن مالیات املاک منطقه، بودجه کمتری برای تأمین منابع خود دریافت می‌کنند، توانایی ایجاد شرایط مطلوب و پرداخت حقوق خوب برای مدرسان خود را ندارند. به همین دلیل، کیفیت آموزش در مدارس این مناطق معمولاً بسیار پایین است. همچنین نرخ بزهکاری در این مناطق بالاتر است و ریسک قرار گرفتن ساکنان در شرایط تروماتیک و مرگ ناشی از خشونت و استرس زندگی در این مناطق را بالا می‌برد. این افراد به قرار گرفتن زندان مستعدتر هستند که خود ریسک از دست رفتن سلامت آن‌ها را بالاتر می‌برد. موقعیت‌های شغلی کمتر، آلودگی‌های محیطی بیشتر و قرار گرفتن در معرض زباله‌ها و مواد شیمیایی خطرناک از عوامل دیگری هستند که کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه، نمایندگان این مناطق و ساکنان آن‌ها توانایی و نفوذ لازم برای دفاع از حقوق خود در مجامع سیاسی و برطرف ساختن نیازهای مجامع خود را ندارند و در نتیجه در چرخه مداوم ناملایمات باقی می‌مانند.

در پایان بد نیست به بخشی از سخنرانی ملاله یوسف‌زی، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۱۴، اشاره کنیم: «کتاب‌ها و قلم‌هایمان؛ آن‌ها قدرتمندترین سلاح ما هستند. یک کودک، یک آموزگار، یک کتاب و یک قلم می‌تواند جهان را تغییر دهد. آموزش تنها راه حل است. آموزش مقدم بر هر چیز است.»

تحصیلات چقدر در زندگی‌مان تأثیر دارد؟

مترجم: ریحانه صادقی

